

# مراسم ازدواج در منطقه مکران بلوچستان

عبدالسلام بزرگزاده<sup>۱</sup>

## چکیده

مراسم ازدواج در منطقه مکران بلوچستان به سه دوره تقسیم می‌شود که این دوره‌ها عبارتند از مراسم قبل از خواستگاری، مراسم خواستگاری و مراسم شروع و انجام جشن عقد و عروسی. در فرهنگ قومی و مذهبی بلوچستان تمام مراحل انجام مراسم ازدواج به عهده خانواده‌ها می‌باشد؛ انتخاب همسر شایسته، پرداخت هزینه ازدواج و تهیه ملزومات عروسی از جمله مواردی هستند که خانواده‌ها برای زوج‌های جوان انجام می‌دهند. این مقاله می‌کوشد تا آداب و مراسم ازدواج را در بخشی از بلوچستان نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: سالونک، بانور، عروسی، بچار، دیشتاری، بلوچستان

## مراسم قبل از خواستگاری

منطقه بلوچی مکران شامل پنج شهرستان سراوان، چابهار، ایرانشهر، سرباز و نیک‌شهر است و این مقاله به سنت ازدواج در این منطقه می‌پردازد. به دلیل آنکه نگارنده خود از بومیان منطقه مکران است آشنایی کاملی با این سنت‌ها دارد. امروزه این مراسم در مناطق شهری کمرنگ شده است ولی در مناطق دورافتاده روستایی به‌طور کامل اجرا می‌شود.

در فرهنگ بلوچی وظایف اصلی پدر نسبت به فرزند خویش از زمان تولد تا مرحله ازدواج سه چیز است: ۱- نام‌گذاری، یعنی انتخاب اسم مناسب برای فرزند خویش ۲- تربیت و تغذیه سالم تا زمان ازدواج ۳- انتخاب و گرفتن همسر شایسته برای فرزند خود. بنابراین همان‌طوری که پدر وظیفه دارد مقدمات و هزینه‌های ازدواج را برای پسرش فراهم کند در آینده این پسر پدری خواهد شد که او نیز وظیفه دارد برای پسرش همسری شایسته انتخاب کند و هزینه ازدواج او را بپردازد و این امر در نسل‌های بعد همچنان ادامه خواهد یافت. یکی از مرسومات قبل از خواستگاری تهیه وسایل و لوازم مورد احتیاج ازدواج است که در طول زمان توسط پدر و مادر تهیه می‌شود مثلاً در بین مادران بلوچ رسم است که از ابتدا وسایل آشپزخانه و لباس سوزن‌دوزی شده و زیورآلات برای جهیزیه دختران خود فراهم کنند، هر چند دادن جهیزیه رسم نیست اما این مورد به صورت غیررسمی و غیرآشکار انجام می‌شود. حتی این جهیزیه در تعیین میزان مهریه تأثیر پنهانی دارد.

پدران بلوچ نیز زمانی که پسرانشان به سن ازدواج نزدیک می‌شوند به فکر تهیه مخارج ازدواج آنها می‌افتند؛ سنت بسیار پسندیده و خوب فرهنگ قومی بلوچ «بجار» (bejjar) نامیده می‌شود؛ به این معنی که پدر داماد با نزدیک شدن زمان ازدواج پسرش و گاهی حتی از یکسال قبل شروع به «بجارگیری» از افراد و آشنایان خود می‌کند و هر کس متناسب با توان خویش کمک می‌کند؛ یکی پول، دیگری گوسفند یا برنج، گندم و غیره می‌دهد و به این ترتیب قسمتی از مخارج و هزینه‌ها به دست می‌آید.

## مراسم خواستگاری

یکی از آداب قدیمی که در واقع یک نوع خواستگاری محسوب می‌شد، «ناف بری» بود: به این صورت که مادری که پسر داشت چنانچه از خانواده فامیل، دختری متولد می‌شد ناف دختر را مادر پسر می‌برید و از همان زمان کودکی دختر را به نام پسر خود اسم‌گذاری می‌کرد. در واقع این دختر نامزد پسر او می‌شد. البته این رسم با رشد سواد و فرهنگ جامعه شهری امروزه از بین رفته و در موارد نادر در روستاها دیده می‌شود. در حال حاضر مادران بلوچ با نزدیک شدن سن پسرشان به سن ازدواج دختری را از بین دختران فامیل انتخاب می‌کنند و سپس با پدر پسر مشورت می‌کنند که در صورت موافقت، مادر یا پدر با پسرشان در میان می‌گذارند. در این مدت خود پسر هم به طور غیرمستقیم ناظر دختران محل و فامیل می‌باشد و از دور رفتار آنها را زیر نظر می‌گیرد و اگر چنانچه خودش دختری را پسندید در آن روز که پدر و مادرش با او مشورت می‌کنند یا پیشنهاد آنها را می‌پذیرد یا خودش پیشنهاد جدیدی می‌دهد. البته توضیح این مطلب هم ضروری است که در فرهنگ قوم بلوچ بزرگترها بخصوص پدر و مادر از احترام خاصی برخوردارند و گاهی اوقات پیش می‌آید که پسر با اینکه تمایل قلبی با دختری که پدر و مادرش پیشنهاد می‌دهند ندارد یا هنوز او را ندیده مجبور به قبول پیشنهاد می‌شود. به هر صورت آنچه می‌توان گفت این است که انتخاب همسر برای پسر یا دختر بیشتر با پدران و مادران است و توجیه پدران و مادران نیز این است که خود جوان با توجه به شرایط سنی‌اش امکان انتخاب همسر شایسته را ندارد. در حال حاضر در بین جامعه شهری و با سواد اغلب انتخاب با خود دخترها و پسرها می‌باشد. در هر صورت پس از انتخاب دختر چه توسط پدر و مادر یا خود پسر، مرحله خواستگاری شروع می‌شود و آن هم به این ترتیب است که پدر و مادر پسر با بزرگان فامیل و ریش‌سفیدان مشورت می‌کنند چنانچه موافقت شد از طرف خانواده پسر یک نفر که به «قاصد» معروف است پیش خانواده دختر فرستاده می‌شود. پدر دختر چند روز فرصت می‌خواهد تا با دختر خود و فامیل مشورت کند چنانچه موافقت شد جواب را به قاصد اعلام می‌کند. خانواده پسر روز ملاقات و خواستگاری را اعلام می‌کنند. در روز خواستگاری چند نفر از بزرگان فامیل و خانواده پسر به منزل پدر دختر می‌آیند

پس از بحث و گفتگو و خواستگاری رسمی میزان مهریه و فال را تعیین می‌کنند و موارد دیگر را که ضروری می‌دانند قرار می‌گذارند. از این روز به بعد دوران نامزدی (دیشتاری *dištâri*) شروع می‌شود و تا زمان ازدواج، دختر سعی می‌کند که جلو داماد ظاهر نشود. علت این است که در فرهنگ بلوچ به مسئله غیرت و شرم و حیا بسیار اهمیت داده می‌شود و دختر خجالت می‌کشد و شرم می‌کند که جلو داماد ظاهر شود. بعضی معتقدند که دختر به این علت جلو داماد ظاهر نمی‌شود که داماد تا شب ازدواج در انتظار دیدار عروس باشد و این انتظار باعث می‌شود که زودتر مراسم عروسی را برگزار کند.

چند روز بعد از خواستگاری مادر داماد به همراه خواهران و زنان فامیل رسماً به منزل دیشتار (نامزد پسر) می‌روند تا چادر، پیراهن، کفش و انگشتر نامزدی را که خریده‌اند به دختر بدهند. این مراسم با خواندن اشعار محلی «هلو هالو و نازنیک» همراه است و اندازه پیراهن و چادر عروس گرفته می‌شود. از این روز به بعد مادر داماد باید در فکر جمع‌آوری و خرید لباس و سوزن‌دوزی لباس‌های عروس و تهیه لوازم آرایش و زیورآلات طلا و سایر اقلام به تعدادی که در روز خواستگاری معین شده، باشد. این وسایل پس از تهیه در صندوقی گذاشته می‌شوند و شب قبل از عروسی رسماً به منزل عروس برده می‌شوند، این شب را شب «لباس بردن» می‌گویند: به این ترتیب که تمام زنان فامیل از طرف خانواده عروس و داماد دعوت می‌شوند، آشنایان داماد در منزل داماد جمع می‌شوند و آشنایان عروس نیز در منزل عروس منتظر آمدن خانواده داماد و آوردن صندوق می‌شوند. طی مراسمی با خواندن آواز مخصوص صندوق لباس‌ها به منزل عروس آورده می‌شود و در آنجا مادر داماد صندوق را باز می‌کند و تمام لباس‌ها و لوازم و زیورآلات را به حاضرین نشان می‌دهد و پس از آن صندوق را تحویل خانواده عروس می‌دهد، مراسم با صرف شیرینی تمام می‌شود. گاهی اوقات مراسم لباس بردن بعد از خواستگاری انجام می‌شود بنابراین دوخت لباس‌ها و سوزن‌دوزی احتمال دارد چند ماه یا حتی یک سال طول بکشد تا مراسم جشن عروسی انجام بشود. گاهی هم قبلاً توسط خانواده داماد دوخته و سوزن‌دوزی می‌شود و چند روز قبل از مراسم عروسی مراسم لباس بردن انجام می‌شود. این بستگی به قراری دارد که در روز خواستگاری گذاشته شده است.

### مراسم شروع و انجام عقد و عروسی

بلوچ‌ها به عقد «قبض و کاغذ» می‌گویند؛ مراسمی است که یک روز قبل از شروع مراسم جشن عروسی انجام می‌شود و مردان فامیل عروس و ریش‌سفیدان محل از طرف خانواده عروس و آشنایان داماد از طرف خانواده داماد به منزل پدر عروس دعوت می‌شوند که بیشتر اوقات بعد از نماز ظهر می‌باشد، در این جلسه که روحانی محل و سردفتر نیز دعوت می‌شود پس از اینکه مردم جمع شدند سر دفتر مشغول نوشتن دفترچه عقد می‌شود. در گذشته و در روستاها که دفتر رسمی ازدواج و محضر نبود به صورت قبض و کاغذ محلی نوشته می‌شد. پدر عروس چهار نفر شاهد جهت امضای دفتر معرفی می‌کرد که به آنها «هزم» (hazm) می‌گفتند. هزم در واقع وکیل مدافع عروس است که چنانچه در آینده داماد به تعهدات خود عمل نکند یا همسرش را مورد اذیت و آزار قرار دهد هزم از حقوق عروس دفاع می‌کند یا اگر چنانچه مورد طلاق پیش بیاید مهریه زن را از مرد طلب می‌کند. البته در بین بلوچ‌ها طلاق خیلی به ندرت پیش می‌آید زیرا در فرهنگ قومی مذهبی بلوچ طلاق عمل پسندیده‌ای نیست و خیلی بد می‌دانند حتی اگر مرد و زن تفاهم نداشته باشند، مرد زن را ترک می‌کند ولی طلاق نمی‌دهد مگر اینکه خود زن یا هزم او اصرار داشته باشد. پس از نوشتن قبض توسط سردفتر و امضای هزم و چند نفر شاهد و پذیرایی حاضرین، روحانی محل برای موفقیت و خوشبختی عروس و داماد دعا می‌کند و ختم جلسه اعلام می‌شود. لازم به توضیح است که مراسم قبض نویسی گاهی مدت‌ها قبل از شروع جشن عروسی انجام می‌شود حتی گاهی یک سال الی دو سال قبل از عروسی ولی بیشتر اوقات دو سه روز قبل از جشن عروسی این مراسم برگزار می‌شود. آنچه مهم است اینکه در مراسم قبض نویسی خطبه عقد و نکاح خوانده نمی‌شود بلکه شب آخر پس از پایان مراسم جشن عروسی که به آن «شب هور» (hoor) می‌گویند قبل از اینکه داماد را پیش عروس به اتاق حجله ببرند خطبه نکاح خوانده می‌شود.

### شروع مراسم جشن عروسی

پس از تهیه کلیه لوازم و وسایل مورد نیاز که یا به وسیله بجاگیری تهیه شده یا اینکه پدر داماد خودش تهیه کرده در مورد تاریخ برگزاری جشن عروسی خانواده داماد با خانواده عروس مشورت می‌کنند و تاریخ جشن اعلام می‌شود. کلیه مخارج عروسی یعنی جشنی که در منزل عروس و داماد برگزار می‌شود به عهده داماد می‌باشد. هزینه جشن عروسی که در منزل عروس برگزار می‌شود را «لوت» می‌گویند که شامل چند گوسفند و مقداری برنج، قند، آرد و دیگر مایحتاج جشن عروسی می‌باشد و «مال‌گیری» شامل طلا و زیورآلات، زمین کشاورزی، ملک و ... می‌باشد. شروع مراسم جشن همزمان در منزل عروس و داماد برگزار می‌شود یعنی در واقع مجلس زنانه در منزل عروس و مجلس مردانه در منزل داماد برگزار می‌شود. مقدار این مخارج یعنی «لوت» در روز خواستگاری قبلاً تعیین شده و داماد علاوه بر مهریه مبلغ یا مقدار «لوت» را نیز به عهده می‌گیرد که به خانواده عروس بپردازد. وسایل لوت نیاز به مقدماتی دارد مثلاً قند کله که باید حبه حبه شود یا گندم و برنج که باید پاک شود. این مراسم با همکاری و تعاون زنان خانواده‌های عروس و داماد تهیه و آماده می‌شود.

جشن عروسی طی سه شب و دو روز ادامه دارد به این ترتیب که شب اول را «شب دزکی» (dozaki) شب دوم را شب «حنابندان» و شب سوم که شب عروسی و حجله است به شب «هور» (hoor) معروف است. مراسمی که در این سه شب و دو روز برگزار می‌شود به این ترتیب می‌باشد:

در «شب دزکی» که شروع مراسم جشن عروسی می‌باشد و شب اول است فقط عده کمی از خویشان و آشنایان نزدیک خصوصاً جوانان هم سن و سال داماد و دختران هم سن و سال عروس و دختران دم بخت به صورت غیررسمی و شفاهی دعوت می‌شوند. در این شب پس از جشن و پایکوبی در منزل داماد (سالونک sâlunak) و منزل عروس (بانور bânur) نیمه‌های شب بدون سروصدا و به صورت غیررسمی (دزدکی) مادر و خواهر و زنان آشنای خانواده داماد دست و پای داماد را حنا می‌بندند. همچنین در منزل

## مراسم ازدواج در منطقه مکران بلوچستان ❖ ۲۲۳

عروس نیز مادر و خواهر و زنان دیگر دست و پای عروس را حنا می‌بندند؛ چون این عمل یعنی حنابندان در این شب به صورت غیررسمی (دزدکی) انجام می‌گیرد مراسم آوازخوانی انجام نمی‌شود.

روز بعد همه در فکر تدارک شب دوم یعنی شب حنابندان هستند؛ برای این مراسم، مدعوین جهت صرف نهار دعوت می‌شوند. در گذشته دعوت به صورت شفاهی و به وسیله چند نفر که به منازل افراد می‌رفتند و خبر می‌دادند انجام می‌شد اما امروزه به صورت کارت دعوت انجام می‌گیرد. به هر صورت در روز اول یعنی قبل از شب دوم (شب حنابندان) باید دعوت انجام گرفته باشد تا چنانچه افرادی مایل باشند در شب حنابندان در مجلس شرکت کنند خبر داشته باشند. گاهی دعوت به صورت شفاهی بعد از نماز ظهر روز اول توسط پدر داماد و در مسجد محل انجام می‌شود.



عکس ارسالی از فرخیش (فرهنگیار سپستان و بلوچستان)

در «شب حنابندان» که مراسم اصلی و مجلس اصلی می‌باشد پس از اینکه همه ریش‌سفیدان و بزرگان و مدعوین آمدند نوازندگان با نواختن سرودها و اشعاری به همین مناسبت یعنی مناسبت شب حنابندان مجلس را گرم می‌کنند و کم‌کم شروع به نواختن دهل و سرنا می‌کنند. در این مراسم افرادی که رقص محلی یعنی «صحبت» (sohbat) را بلد هستند به آن مشغول می‌شوند؛ به این صورت که افراد دایره‌وار دور هم جمع می‌شوند و با لباس‌های مخصوص که شامل شلوار گشاد می‌باشد و هنگام

چرخش نمای زیبا و قشنگی به ریتم آن می‌دهد (مانند رقص محلی سیستان که به جای چوب، بلوچ‌ها دو دست خود را به هم می‌زنند) حرکت می‌کنند و اسکناس روی سر داماد می‌گذارند و نوازندگان با حرکت‌های خاص به طرف داماد می‌آیند و داماد را با خواندن اشعاری مانند «نازینک سالونکی» (nâzink sâlunki) تعریف و تمجید می‌کنند و پول را بر می‌دارند. در گذشته علاوه بر نوازندگان مخصوص عروسی، نوازندگان دیگری که اشعار حماسی و تاریخی بلوچستان را می‌نواختند نیز در این شب دعوت می‌شدند و برنامه‌های خود را با لحن خاصی اجرا می‌کردند. این گروه بیشتر از طرف ریش سفیدان و بزرگان مورد تشویق قرار می‌گرفتند. در این شب در حالی که مردم مشغول برگزاری جشن هستند یعنی حدود نیمه‌های شب تعدادی از زنان از منزل عروس راه می‌افتند و با ظرف مخصوص که پر از حنای تمیز و خمیر شده می‌باشد با سرودن اشعار «هلوهالو» به منزل داماد می‌روند. خمیر حنا در منزل عروس در ظرف مخصوصی توسط مادر و خواهر و زنان فامیل عروس تهیه و قبل از اینکه عروس حنابندان شود به همراه یک تکه پارچه قرمز یا پابندی (pâbandi) به منزل داماد برده می‌شود و پس از حنابندان داماد زنان فامیل داماد به همراه زنان فامیل عروس جهت حنابندان عروس به منزل عروس برمی‌گردند تا عروس را حنا ببندند. در شب حنابندان از خمیر حنای باقی مانده به مهمانان می‌دهند تا دست و پای خود را در منزل خود حنا بگیرند. از منزل عروس راه می‌افتند و با ظرف مخصوصی که پر از حنای خیس شده و آماده می‌باشد با سرودن اشعار زیر به منزل داماد برمی‌گردند.

amšapi šap e hanâbandân ent امشپی شپ حنابندان انت

امشب شب حنابندان است

mâti gal o šâdân ent ماتتی گل و شادان انت

مادرش شاد و خندان است

vârki gal o randân ent وارکی گل و رندان انت

خواهرش شاد و در حال شانه کردن موهایش است

مادر، خواهر و زنان دیگر مشغول حنابندان داماد می‌شوند و نوازندگان، سرودها و

ترانه‌های مخصوص حنابندان را می‌نوازند. پس از تمام شدن حنابندان یکی از زنان که



از طرف خانواده عروس مأموریت دارد و حنا را آورده است ظرفی را جهت جمع‌آوری پول در مجلس می‌گرداند که این پول را «حنایی» (henayi) می‌گویند که به خانواده عروس باید داده شود؛ مبلغ این پول در مراسم خواستگاری قبلاً تعیین شده است. از طرفی عروس از شب اول تا شب حجله در اتاق مخصوصی که دختران هم سن و سالش در اطراف او نشسته‌اند روی یک لحاف مخصوص و زیر پتوی مخصوصی به نام «جل» (jol) خوابیده تا روز بعد از شب حنابندان که روز آرایش عروس می‌باشد بهتر جلوه کند. شروع «جل‌بندی» یعنی پهن کردن لحاف و پتو در شب اول طی مراسم خاصی با حضور مادر داماد و همراهان و خانواده عروس در اتاق حجله منزل عروس انجام می‌گیرد و هنگام انجام این مراسم توسط زنان اشعار (نازنینک) مخصوص جل‌بندی نواخته می‌شود. مادر داماد جهت جل‌بندی مبلغی پول نیز به مادر عروس پرداخت می‌کند.

روز دوم روز لوت می‌باشد. لازم به توضیح است که لباس نو خویشاوندان عروس و داماد قبل از شروع مراسم عروسی و پس از اینکه تاریخ عروسی مشخص شد باید برای روز لوت آماده شود. در این روز مدعوین به صرف نهار دعوت می‌شوند. در این روز از صبح اول وقت همه افراد خانواده مشغول تدارک نهار هستند و پس از کشتن گوسفند (که بسته به تعداد نفراتی که دعوت شده‌اند بین ده تا پنجاه گوسفند) زنان مشغول پختن غذا می‌شوند. هنگام پخت غذا زنان اشعار مخصوص می‌خوانند:

lelado lelado lâdi lado lelado	للدو لددو لادی لدو لددو
man pa sorud sâlunak jân benâzinân	نازنین نازنین نازی تو نازنین نازنین من په سرود سالونک جان بنازینان
pessi p. ss o košân ent	پسی پس کوشان انت پدرش گوسفند خیلی زیاد می‌کشد
mâti gal o šâdân ent	ماتی گل و شادان انت مادرش شاد و خوشحال است
lelado lelado lâdi lado lelado	للدو لددو لادی لدو لددو

pass o kuši sakk bâz ent	نازنین نازنین نازی تو نازنین نازنین پس و کوشی سک باز انت گوسفند خیلی زیاد می کشد
raj o qumi sakk derâz ent	راج و قومی سک دراز انت زیرا قوم و فامیل زیاد دارد
lelado lelado lâdi lado lelado	للدو للدو لادی لدو للدو
نازنین نازنین نازی تو نازنین نازنین	
<p>برای صرف نهار مردم گروه گروه می آیند. نهار در ظرف های مخصوص به نام «تشت» (tašt) گذاشته می شود. در روز لوت برای همسایه ها و سادات لوت بهری (سهم لوت همسایه و سادات) که شامل ده عدد نان لواش و یک تکه گوشت است توسط یک نفر از طرف مادر داماد و مادر عروس فرستاده می شود. پس از صرف نهار و اتمام پذیرایی مراسم بردن داماد به حمام انجام می شود. در منزل عروس مراسم آرایش عروس که به «سرگواپی» (sar gowâpi) معروف است انجام می گیرد. هنگام آرایش عروس و بافتن موهای او (سرگواپی) مادر، خواهر و زنان آشنای داماد و عروس حضور دارند. پس از آرایش، همه روی سر آرایش شده عروس پول می گذارند که این پول گذاشتن را «گیواری» (givâri) می گویند. اشعار مخصوص سرگواپی در این هنگام نیز خوانده می شود.</p>	
čâp Janet mât o gohârân	چاپ جنت مات و گوهاران دست بزیند مادر و خواهران
bânur a singârân	بانور سینگاران عروس را آرایش می کنم
beyâyet dastgohârân	بیایت دست گوهاران
<p>بیایید دوستان عروس (یعنی دختران دم بخت و هم سن و سال عروس که دوستان عروس نیز هستند)</p>	
bânur a singârân	بانور سینگاران

عروس را آرایش می‌کنم  
به نند و شر به نند بانور ملوکین  
بهشین و خوب بشین عروس ملکه دختران  
تئی وسوگ ایت دکسیچ گون انت  
مادر شوهرت می‌آید همراهش خواهر شوهرت است  
مبادا ترار عیب درار انت  
مبادا از تو عیبی پیدا کنند  
تئی عیبان پلو پلوکان  
عیب تو زیور آلات طلاست که روی بینیات آویزان است.



عکس ارسالی از فرج‌بخش (فرهنگیار سیستان و بلوچستان)

در زمان «سرگواپی» یکی از آشنایان عروس یک کاسه پر از گلاب به همراه چوب‌های مخصوص (برای رنگ لب و تمیز کردن دندان به کار می‌رود) که به آن «مزوانک» (mozvânk) گفته می‌شود در سینی گذاشته و بین زنانی که اطراف عروس نشسته‌اند تقسیم می‌کند. موهای عروس را در دو طرف به صورت ریسمان می‌بافند که به این ریسمان «مُط» (mot) می‌گویند. بستن دو طرفه این دو ریسمان را «مطبندی»

می‌گویند که تا خواهر داماد مبلغی پول به مشاطه ندهد مطبندی انجام نمی‌گیرد. در گذشته، داماد را به جای حمام به سرچشمه آب می‌بردند و در آنجا یک پشه‌بند که «کله» (kelle) می‌نامیدند، برپا می‌کردند. شستن داماد و آرایش موی سر او توسط مردی که به آن «جت» (jatt) می‌گفتند انجام می‌گرفت (در قدیم که به روش سنتی پسران را ختنه می‌کردند جت مسئول آرایش موی پسر بچه و ختنه او بود) هنگامی که جت مشغول شستن داماد داخل پشه‌بند و پوشاندن لباس او بود بیرون کله نوازندگان سرگرم نواختن سرودها و ترانه‌های مخصوص این مراسم می‌شدند و مردم با خواندن اشعار ذیل نوازندگان را همراهی می‌کردند.

bâbey halo hâlo kaneyt	بابی هلو هالو کن‌ایت
sâlunak ma âp ent	ای بابا هل هله کنید سالونک مه آپ انت داماد در آب است
bâbey darâ eyt dareçit	بابی در‌ایت در‌چ‌ایت ای بابا بی‌آید ظاهر شوید
kovmâne sâlunak	کومان سالونک قوم و خویشان داماد
sare âpe govanân âp ma golmân ent	سر آپ گونان آپ مه گولمان انت سرچشمه آب زیر سایه درختان گون (گونه‌ای از درخت بیابانی که دانه چوبی آن را استفاده می‌کنند) و از برکه‌های آب عبور می‌کند تا داماد را در این آب بشویند
sâlunak nâz makan nâzi ma košân ent	سالونک ناز مکن نازی مه کوشان انت داماد چرا ناز نکند نازش برای کفش‌هایش است
sare âpe govanân âp ma golmân ent	سر آپ گونان آپ مه گولمان انت سرچشمه آب زیر سایه درختان گون است و از برکه‌های آب عبور می‌کند تا داماد را در این آب بشویند
sâlunak nâz makan nâzi ma počan ent	سالونک ناز مکن نازی مه پچان انت داماد چرا ناز نکند نازش برای کفش‌هایش است

mobârak sâlunak jân tarâ ra	مبارک سالونک جان ترا را
	مبارک باد داماد شما را
vaši yâ bât	وشی یا بات
	خوش باش
mobârak teei atr o golâbân	مبارک تئی عطر گلابان
	مبارک عطر و گلاب‌های شما را
vaši yâ bât	وشی یا بات
	خوش باش
mobârak hennigân mobârak	مبارک حنیگان مبارک
	مبارک حنای شما را
vaši yâ bât	وشی یا بات
	خوش باش
mobârak teei sire godâna	مبارک تئی سیر گودان
	مبارک لباس‌های عروسی شما را
vaši yâ bât	وشی یا بات
	خوش باش
mobârak teei koot o kolâhân	مبارک تئی کوت و کلاهان
	مبارک کت و کلاه شما را
vaši yâ bât	وشی یا بات
	خوش باش
	***
bâbey halo hâlo kaneyt	بابی هلو هالو کن‌ایت
	ای بابا هل‌هله کنید
salunak navâb ent	سالونک نواب انت
	داماد نواب است. (یعنی امروز روز پادشاهی و حکومت داماد است و نایب خان کلات است)

godân gon bokčayân	گدان گون بکچه‌یان لباس‌ها و چمدان‌ها را
vârki be zoreyt	وارکی به زورات خواهرش در دست دارد و بر می‌دارد
golâb o šišayân	گلاب و شیشه‌یان گلاب و شیشه‌های عطر را
mâti be zoreyt	ماتی به زورات مادرش برمی‌دارد

پس از اینکه داماد را از حمام یا کله بیرون آوردند آشنایان او نقل و سکه پول و شیرینی مخصوص (گلدوک galadok) بر سر داماد می‌ریزند. در این هنگام بچه‌های کوچک خوشحال هستند و اطراف داماد (سالونک) را می‌گیرند. داماد در لباس دامادی که شامل پیراهن سفید و شلوار سفید بلوچی و کلاه بره‌ای و کفش نو می‌باشد همراه با مردم و نوازندگانی که سخت مشغول نواختن ترانه و اشعار مخصوص هستند به طرف منزل خودش به راه می‌افتد. در منزل در جایگاه مخصوص که برایش در نظر گرفته‌اند می‌نشیند و جت مشغول آرایش و عطریاشی و مالیدن گلاب به موهای داماد می‌شود و از باقی مانده عطر و گلاب به همه تعارف می‌کند؛ بخصوص به پسران جوانی که در انتظار روز دامادی هستند. در این زمان نیز نوازندگان مشغول نواختن هستند. این مجلس تا نیمه‌های شب و پس از صرف شام ادامه می‌یابد. دو یا سه نفر از حاضرین که با خانواده عروس نسبت فامیلی دارند یا آشناتر هستند به طرف منزل عروس فرستاده می‌شوند تا از عروس و کالت بگیرند. در آنجا نیز عروس در اتاق حجله آماده تعیین وکیل و انتخاب یکی از این سه نفر معرفی شده می‌باشد. زیورآلات طلای عروس شامل گوشواره (دَرّ dorr)، سنجاق (تاسینی tasini)، سربند (سریگ sareig)، گردن‌بند (کپگو kapago)، دست‌بند (النگو alango)، تک (tek: تکه‌ای طلا به شکل لوزی و نقش و نگار با سنگ‌های قیمتی مانند فیروزه و ... است که روی پیشانی عروس می‌گذارند) می‌باشد. لباس مخصوص عروسی، لباس سوزن‌دوزی شده بلوچی به همراه چادر و تکه پارچه توری و تزیین شده جلوی صورت عروس می‌باشد. دو یا سه نفری که به اتاق

عروس فرستاده شده‌اند در حضور همه زنان با صدای بلند از عروس سئوال می‌کنند که کدام یک از ما سه نفر را به عنوان وکیل (هزم hazm) خود قبول داری و عروس باید یک نفر را انتخاب کند و با صدای بلند سه بار تکرار کند. لازم به توضیح است که چون در مجلس عقد که خطبه نکاح خوانده می‌شود عروس حضور ندارد بنابراین به جای عروس وکیل او اعلام قبول می‌کند. پس از تعیین وکیل در حالی که مردم هنوز در مجلس نشسته‌اند، پدر داماد به همراه وکیل و چند نفر دیگر داماد را نزد روحانی محل می‌برند. اگر روحانی در مجلس حاضر باشد به افاق دیگر می‌روند و خطبه نکاح خوانده می‌شود. هنگامی که خطبه نکاح خوانده می‌شود داماد اعلام قبول می‌کند و به جای عروس وکیل می‌گوید (نام عروس) را دادم و بخشیدم به آقای (نام داماد) به عنوان همسر و زن و قبلت را اعلام می‌کند. از این لحظه به بعد عروس و داماد شرعاً زن و شوهر همدیگر هستند.

لازم به توضیح است که در بعضی از نقاط بلوچستان مخصوصاً منطقه «سرحد» عروس را به منزل داماد می‌برند، مردم در یک افاق می‌نشینند و با حلوا پذیرایی می‌شوند. در این هنگام پدر داماد یا برادر داماد او را تا افاق حجله همراهی می‌کنند. قبل از ورود داماد به افاق حجله در افاق یک نفر گوسفندی را قربانی می‌کند و به داماد اجازه ورود به افاق حجله را نمی‌دهد مگر اینکه مبلغی بپردازد که این را «کت‌بندی» (kat bandi) می‌گویند، این مبلغ نیز قبلاً در مجلس خواستگاری تعیین شده است. پس از پرداخت مبلغ فوق توسط پدر داماد به داماد اجازه ورود داده می‌شود. در افاق حجله نیز تمام زنان و دختران دم‌بخت دور تا دور عروس را گرفته و اشعار زیر را می‌خوانند.

emšapi šape huriy ent

امشپی شپ هوری انت

امشب شب عروسی و حجله است

mâti ballâh zoriy ent

ماتی بلاه زوری انت

مادر داماد فدای داماد و عروس‌اش است

emšapi šape horiy ent

امشپی شپ هوری انت

امشب شب عروسی و حجله است

mâti gal o šâdân ent

ماتی گل و شادان انت

## مادرش خوشحال و شاد است

پس از نشستن داماد در حالی که صورت عروس با پارچه نازک توری پوشیده شده دو لیوان شیر می‌آورند؛ رسم بر این است که داماد یک لیوان را بردارد و به عروس بدهد و به همین ترتیب عروس نیز لیوان دیگر را به داماد بدهد. شام مخصوص عروس و داماد از دل و جگر گوسفندی که به مناسبت ورود داماد کشته شده پخته می‌شود و این دل و جگر را هم به همین ترتیب عروس و داماد به همدیگر می‌دهند.

پس از چند ساعت زنان اتاق حجله را ترک می‌کنند و فقط یک نفر زن به نام «مشاته» (mošate) می‌ماند. مشاته قرآنی را پیش عروس می‌آورد که عروس برای خواندن قرآن مجبور می‌شود پارچه توری را از صورت خود بردارد و چشمان خود را باز کند تا کم‌کم شرم او شکسته شود و خجالت نکشد. این فرد تا هفت شبانه‌روز که عروس و داماد در اتاق حجله می‌باشند مسئول پذیرایی از عروس و داماد می‌باشد. صبحانه مخصوص عروس و داماد شامل نان محلی به نام «تلان تلون» (talân talon) است که از آرد گندم و روغن حیوانی تهیه شده و با یک لیوان شیر داده می‌شود. صبح روز بعد پدر و مادر داماد و دیگر آشنایان نزدیک همراه با کادو و پاتختی که در اصطلاح محلی «مبارکی» می‌گویند به دیدن عروس و داماد می‌آیند. در این هفت روز مادر عروس تمام وسایل و جهیزیه‌ای را که در طول زمان برای دختر خود جمع‌آوری کرده بود را به این اتاق می‌آورد، این جهیزیه را «هفتیک» (hafteik) می‌گویند.

پس از هفت روز، عروس و داماد به همراه آشنایان و خانواده عروس به منزل داماد می‌روند. در آنجا نیز کسانی که موفق نشده‌اند پاتختی بیاورند برای دیدن عروس و داماد می‌آیند. پس از یک الی دو روز که می‌خواهند مجدداً به منزل عروس برگردند مادر داماد نیز لوازمی را به آنها می‌دهد که به آن نیز «هفتیک» می‌گویند. پس از آن تا چند روز به منازل آشنایان و فامیل دعوت می‌شوند و از این به بعد زن و شوهر جوان زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. لازم به یادآوری است که این مراسم در حال حاضر به صورت کامل در بیشتر خانواده‌ها اجرا نمی‌شود مخصوصاً خانواده‌های مذهبی که اصلاً مراسم ساز و آواز و بعضی مراسم را ندارند و فقط مراسم شرعی و مذهبی را اجرا می‌کنند و عروسی به طور خلاصه در یک شب انجام می‌شود، لیکن اجرای کامل مراسم فوق در گذشته در بلوچستان متداول بوده است.